

آینه



روحانی آمریکا را در عرصه بین‌المللی منزوی کرده‌است

سیدمصطفی تاجزاده، جریان اصلاحات طیف‌های مختلف سیاسی را در بر می‌گیرد. به نظر من برخی در جریان اصلاحات تسنوری کردند و درعین‌حال برخی دچار کندروی شدند. نباید مسئله را تنها به تندروی تقلیل داد بلکه باید کندروی‌ها را نیز در سرنوشت جریان اصلاحات تأثیرگذار تلقی کرد. اصلاح‌طلبان از برخی از فرصت‌های مهم استفاده صحیح نکردند که اگر استفاده می‌کردند شاید مشکلات پیش‌روی این جریان کمتر می‌شد یا از بین می‌رفت. ازسوی‌دیگر بنده هیچ‌گاه از تئوری «عبور از رئیس دولت اصلاحات» حمایت نکردم و همواره معتقد بودم جریان اصلاحات باید پشت سر ایشان بایستد. خوشحالم که می‌بینم کسانی که روزی شعار «عبور از رئیس دولت اصلاحات» را مطرح می‌کردند امروز به این نتیجه رسیده‌اند که با شعارهایی مانند این به دموکراسی بیشتر نمی‌رسیم/ روی‌کارآمدن احمدی‌نژاد تنها به دلیل اشتباه اصلاح‌طلبان پس از خرداد۷۶ نیست. گفتمان اصلاحات و راهبردی که پس از خرداد ۷۶ در پیش گرفته شد به‌هیچ‌عنوان اشتباه نبود. باین‌وجود بنده منکر این مسئله نیستم که اصلاح‌طلبان از برخی فرصت‌ها استفاده نکردند و در برخی زمینه‌ها کوتاهی کردند. به وجودآمدن پیروزی‌ها و شکست‌های اجتماعی و سیاسی عوامل زیادی دخالّت دارند و نمی‌توان به صورت خطّی و تک‌بعدی این مسائل را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نکته دیگر اینکه از روی‌کارآمدن احمدی‌نژاد نمی‌توان به این نتیجه رسید که جامعه با ظرفیّت آزادی سیاسی را ندارد. چه رسد مردم وظایف مدنی و سیاسی خود را به‌خوبی انجام داده باشند! اما نخبگان و چهره‌های سیاسی کوتاهی کرده باشند/ ما باید بپذیریم که رقبب سیاسی از نظر ذاتی به دنبال رسیدن به اهداف خود است و طبیعی است که به دنبال چهارپاهاشدن دولت آقای روحانی باشد. ما هم اگر می‌توانستیم دولت احمدی‌نژاد را در چهارساله می‌کردیم. نکته دیگر اینکه در شرایط کنونی آقای روحانی در جریان اصولگرایی هیچ رقیبی ندارد و خود اصولگرایان نیز به این مسئله آگاهی دارند. تنها کسی که ممکن است بتواند بیشتر از ۱۰ میلیون رأی کسب کند احمدی‌نژاد است که اگر در انتخابات حضور پیدا کند ما با یکی از پرشورترین انتخابات تاریخ جمهوری اسلامی مواجه خواهیم بود/ آقای روحانی در عرصه بین‌المللی نیز دستاوردهای قابل‌توجهی داشته است. مهم‌ترین این دستاوردها این بود که آمریکا را در عرصه بین‌المللی منزوی کرده و هیچ کشوری حاضر نیست با آمریکا علیه ایران همکاری کند. بدون‌حاش اگر آقای جلیلی یا یک اصولگرای دیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری به پیروزی برسد، باید بود به این دستاوردها برسند و ایران وضعیتی مشابه ونزوئلا داشت که ۷۲۰ درصد تورم دارد.

انتقاد

متهم‌ردیف اول غایب است

عباس عابدی، بدون پذیرفتن اصل دسترسی به اطلاعات و حق مردم در اطلاع از امور دولتی ازجمله فیش‌های حقوقی و نیز انتشار همه موارد اسکان بهبود امور قابل‌تصور نیست و هر اتفاق مثبتی هم که دراین‌زمینه رخ دهد کوتاه‌مدت و ناپایدار خواهد بود. مشکل اصلی گزارش‌نویسی‌ها در ترکیب غیرمستقل تهیه‌کنندگان و منتشرکنندگان آن است. اثرات این ترکیب در محتوا و ادبیات گزارش نیز بازتاب دارد. جالب اینکه در گزارش ارائه‌شده درمورد فیش‌های حقوقی گفته شده که بخش مفصل دیگری هم هست که جداگانه به رئیس‌جمهور ارائه می‌شود. در حالی که این دو گزارش نباید از یکدیگر تفکیک شوند، هرچند برای اطلاع برخی مردم می‌توان خلاصه گزارش را نیز انتشار داد، ولی گزارش اصلی که جزئیات در آن درج است نیز باید به اطلاع مردم برسد. به نظر می‌رسد نظام اداری ایران نمی‌خواهد زیر بار تهیه گزارش‌های مستقل و نیز شفافیت بی‌رود، چون از تبعات چنین امری نگران است.

کیتان

آیا این شراب سرکه خواهد شد؟!

حسین شریعتمداری، فرض کنید که دولت اردوغان به مواضع و رویکرد چند سال قبل خود یعنی حمایت آشکار از روسیه و سایر گروه‌های تکفیری، اصرار بر سرنگونی حکومت سوریه و همراهی با تئوریسین‌ها در عراق ادامه داده بود. در این حالت، بدون کمترین تردیدی می‌توان نتیجه گرفت که مردم، حاکمیت نظامیان کودتاگر را در مقابل مواضع دولت ترکیه ارزیابی می‌کردند و دیکتاتوری آنان را بر تحمل سایه شوم و وحشیانه داعش بر کشورشان ترجیح می‌دادند. و این، صرفنظر از صداقت یا عدم صداقت اردوغان در مواضع اخیرش می‌تواند برای وی درس‌آموز تلقی شود و چنانچه مواضع یکماده اخیر وی یک حرکت تاکتیکی و فریکارانه بوده باشد - که چندان بعید نیست- باز هم، حضور مردم در مقابل کودتاگران حاکی از آن است که مردم مواضع پیشین اردوغان را نمی‌پسندند و اگر او در پی جلب نظر مردم و برخورداری از حمایت آنان در روزهای حادثه است، باید از همراهی با دشمنان اسلام و مردم برای همیشه کناره بگیرد. آیا چنین می‌شود؟ و شرابی که نجم‌الدین اربکان از آن سخن می‌گفت به سرکه تبدیل خواهد شد؟! قضاوت دراین‌باره به زمان بیشتری نیاز دارد!

ک نقل‌قولی از نیچه به این مضمون هست که

«اگر چیزی تو را نکشد، حتما تو را قوی‌تر می‌کند»
انگار برای موضوع فیش‌های حقوقی هم چنین چیزی رخ داده است.

هنوز که درمان نشده است تا ببینیم نکشته و قوی‌تر کرده است! قضیه فیش‌ها فقط در ایران نیست و کمابیش در همه‌جا رخ می‌دهد؛ اما در ایران شدیدتر است؛ چون موضوعات سیاسی می‌شود و لایه‌های جدی‌تر قضیه مغفول واقع می‌شود. اجازه دهید یک لایه مهم آن را بگویم. این همه راجع به ساده‌زیستی حرف زده می‌شود؛ اما بیکاره آن هم در شرایط بد اقتصادی با این قضیه فیش‌ها مواجه می‌شویم. حالا اگر وضع اقتصاد خوب بود، شاید مسئله درک‌شدنی بود؛ اما در شرایط بد اقتصادی، چنین حقوق‌هایی داده شده است. فراموش نکنید که درآمد برخی مدیران فقط این حقوق‌ها نیست. آنها آن‌قدر هدایا می‌گیرند که خدا می‌داند. دو سال پیش فرزندم برای درمان به پزشک محترمی که آشنای بنده است، مراجعه کرده بود، وقتی برگشت یک کادو هم با خود آورده بود. گفت این کادویی است که بانک... برای آقای دکتر فرستاده بود و او هم آن را برای شما فرستاد. این کادو حدود ۲۵۰ هزار تومان ارزش داشت. ایشان احتمالا یک مشتری بااعتبار آن بانک است که فقط در آنجا حساب داشته است. باید دید کادوهایی که از سوی وام‌گیرندگان به رئیس بانک داده می‌شود، چقدر است؟ یکی از دوستان تعریف می‌کرد که قیمت برخی ساعت‌هایی که هدیه می‌دهند، سر به فلک می‌زند. دراین‌میان کادوهای پیش‌کشی به رئیس بانک و بالاتر از او هم که الی‌مشاءالله است. البته کادویی که به مشتری داده می‌شود اشکالی ندارد؛ چون در همه‌جای دنیا بانک‌ها برای جلب‌مشتری چنین کاری را می‌کنند؛ اما کادویی که بخش دولتی می‌گیرد و از ارباب رجوع خاصی می‌گیرد، ایراد دارد. بنابراین در شرایطی که از ساده‌زیستی حرف درده می‌شود، چنین اتفاقی می‌افتد. جالب است که یکی از دولتمردان مصاحبه می‌کند و می‌گوید خوشبختانه در بخش ما حقوق بالای ۲۳ میلیون تومان نداریم. بکی نیست که بگوید کمتر ۲۳ میلیون کم است که خوشبختانه بالاتر از آن را نداریم؟! این یعنی سطح و مقیاس‌ها به هم ریخته است. این نشان می‌دهد سیستم اداری با جامعه یک شکاف عمیق پیدا کرده است. البته فقط این شکاف نیست، ارزش‌هایی دراین‌میان به هم ریخته که از نظر جامعه عجیب است؛ اما از نظرعه‌های عادی است. یک مقام دولتی می‌گوید حق عده‌ای ۴۰ میلیون تومان حقوق هم هست، البته من نمی‌خواهم آنها را محکوم کنم. شاید بگویم یک فوتبالیست در سال یک میلیارد تومان بگیرد....

ک البته او هم این را از تیم‌های دولتی می‌گیرد. بله، این ایراد هم هست؛ یا مثلاً هنرمندانی که تابلوهای خود را میلیونی می‌فروشند، اینها به خوششای و خریدار اثر مربوط است؛ اما در هیچ‌جای دنیا نظام اداری دولتی این‌گونه نیست. در کشور ما کسانی در این سیستم چنین پول‌هایی می‌گیرند که پوست و گوشت و استخوانشان در سیستم‌های دولتی درست شده و در این سیستم بالا آمده‌اند و معلوم نیست چرا چنین حقوق‌هایی را می‌گیرند؟ حتی درس خود را با هزینه دولت خوانده‌اند. آنها یک ذره ریسک هم نمی‌پذیرند. اگر رأس یک سیستم دولتی می‌دانست که چنین حقوق‌هایی را می‌گیرد، باز هم مسئله حادی نبود؛ ولی مسئله مهم این است که بالای‌ها نمی‌دانند چنین حقوق‌هایی داده می‌شود و یکنباره با بحران مواجه شده‌اند؛ اما این ماجرا نکته مثبتی هم دارد. در دوره احمدی‌نژاد انواع و اقسام فسادها را دیدیم اما آب از آب تکان نخورد؛ ولی الان به نتیجه می‌رسد، به‌این‌دلیل که واقعیتی پشت قضیه شکل گرفته و آن موازنه قواست. آن‌موقع این موازنه وجود نداشت و هرکسی ره کاری، حتی اگر دزدی هم می‌کرد، به جایی بر نمی‌خورد؛ اما الان این موازنه دیده می‌شود. برخی افراد متوجه نیستند که دو نیروی به‌نسبت یکسان در حال جالش و مج‌گیری از یکدیگر هستند و کوچک‌ترین مسئله برای آنها مهم می‌شود؛ مثلاً وقتی خاوری فرار کرد، نهایتاً به اتفاقی سیاسی منجر نشد؛ درحالی‌که از رئیس مهم‌ترین بانک کشور بود که سوءاستفاده کرد و بعد هم فرار کرد، ولی آن اقدامات ناعادلانه حتی اگر قانونی هم باشد به عرصه کشیده می‌شود؛ چون موازنه قوا است که پشت این ماجرا قرار دارد.

البته اتفاقات دیگری هم رخ داده است. طبعاً کسی از قضیه فیش‌های حقوقی دفاع نمی‌کند. سهل است که همه محکوم هم می‌کنند؛ ولی مسائل دیگر را نباید نادیده بگیریم. برای نمونه درباره آقای صفدرحسینی به خود او هم گفتم وقتی شما رئیس صندوق توسعه ملی هستید که ۸۰ میلیارد دلار سرمایه در آن وجود دارد و همه چشم‌ها به آنجا است؛ یعنی از ابتدا که به آنجا رفته‌اید، یک سری مسائل را به طور ضمنی پذیرفته‌اید. وقتی عکس شما در دیدار با آقای تاج‌زاده منتشر شود، نااشتید، در اجرای کار و مأموریت اصلی خود دچار مشکل می‌شدید

اگر حتی این حقوق را هم نداشتید و رو نمی‌شد، در اجرای کار و مأموریت اصلی خود در صندوق دچار مشکل می‌شدید و این گزارش بدیش ریاست آن از سوی شما است. بخشی از این بحرانی که می‌بینم، به خاطر این موازنه و قدرت دو طرف است که هیچ‌کدام نمی‌توانند دیگری را حذف کنند؛ اما نتوانسته‌اند به تفاهم و سازش هم برسند. در نتیجه از راه‌های دیگر مشغول زدن یکدیگر می‌شوند. اینجا است که می‌بینیم کوچک‌ترین مسئله‌ای بلافاصله در این موازنه قدرت و در غیاب به‌رسمیت‌شناختن یکدیگر، تبدیل به بحران می‌شود. این زاویه منفی قضیه است. دیگران هم نباید این قضایا را به دولت محدود کنند. همین که دولت تا این حد مسئله را پذیرفته و مثل احمدی‌نژاد خط قرمز نگذاشته و حتی عذرخواهی کرده و یک گزارش نیم‌دین هم داده است، باید کلاه خود را هم به بالا بیندازیم؛ اما مسئله اساسی این است که این وضعیت در این دولت به وجود نیامده است؛ به‌طوری‌که عده‌ای در سیستم اداری تا این حد برای خود ارج و منزلت قائل باشند و حتی وجود چنین ارقامی را در جهان طبیعی ندانند! در سیستم‌های چنین حقوق‌هایی برای خودشان تعیین می‌کنند با مبارزه با این فیش‌ها، مسئله از بین نمی‌رود و کم‌اکن وضعیت ثابت می‌ماند، نهایتش این است که مسئله را به‌طور موقت محدود کنند. نکته و نتیجه مثبت دیگر این ماجرا این است که مخالفان دولت هم متوجه شده‌اند این فقط زدن دولت نیست و خیلی چیزها

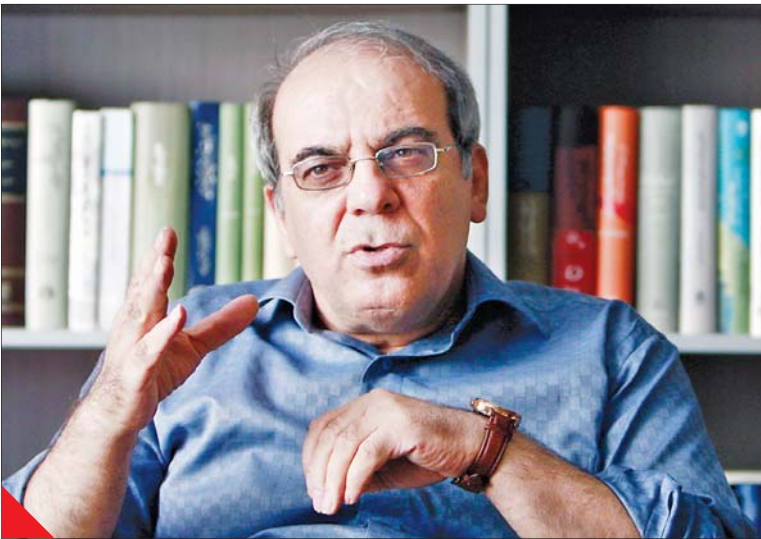
در حال ازبین‌رفتن و یأس می‌شود. **ک** بر چه اساسی می‌گویید آنها این احساس را کرده‌اند؟ آنها را نگرده‌اند و با شما شدد در حال جلوآمدن هستند. نه، این‌گونه نیست؛ وقتی بخش‌هایی از آن را نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید آنها حس می‌کنند این قضیه مسئله همه‌شان است و فقط مسئله این دولت نیست، حتی از اقدامات دولت هم حمایت کرده‌اند. البته بی‌تجربگی هم هست، برای مثال فرض کنید همین خاتم حسینی، ایشان تجربه کافی نداشت که چگونه با این قضیه مواجه شود. برخی افراد تازه، کم‌کم دارند مواجه‌شدن با مسائل را یاد می‌گیرند. برای مثال غربی‌ها را نگاه کنید چقدر درباره این قضایا جالب برخورد می‌کنند و می‌کشوند سوچ را از روی خود رد کنند، نه اینکه جلوی موج بایستند و نتیجه‌ای هم جز خردشدنشان نداشته باشد؛ بالاخره سیاست همین است که بتوانی موج را از روی خود عبور دهی. این از بی‌تجربگی‌های ماست که آموزش ندیده‌ایم. تجربیات گذشته هم همین را نشان می‌دهد. من فکر می‌کنم حکومت هم کم‌کم در حال یادگرفتن است که چگونه با این امواج برخورد کند و جلوی آن نایستد؛ این نشان می‌دهد اتفاق‌هایی در حال رخ‌دادن است، به نظر من می‌شود سیاه‌روشن این موضوع را هم دید.

ک اگر جریان فیش‌ها را با قضیه سه هزار میلیارد مقایسه کنیم شاهد آن هستیم که با وجود اینکه اختلاف مبلغ بسیار زیاد بود؛ اما تقریباً به همان اندازه یا حتی بیشتر موجب حساسیت افکار عمومی شد. برخی معتقدند دلایل این است که وقتی گفته می‌شود سه هزار میلیارد، خیلی مبلغ بزرگ است، اما در حالی که در این کشور افکار عمومی به این نتیجه رسیده‌اند که این حتماً ظرفیت‌هایی وجود داشته که این‌گونه شده است، اگر چه اینها به بوروکراسی منتهی نمی‌شود. مجموعه این نظام توانسته برجام را به

سیاست

تحلیل «عباس عابدی» درباره ماجرای فیش‌های حقوقی

گاهی ۴۰ میلیون از ۳ هزارمیلیارد بزرگ‌تر است



عکس: بهمن حسینی

مازیار خسروی - **علی ایوبی**

گردوغبارها که فرو بنشیند، بیشتر مردم دلخوش به اینکه از توفان جان سالم به‌در برده‌اند، به روال سابق زندگی خود بازمی‌گردند. برخی اما به‌دنبال پاسخ پرسش‌هایی از این دست می‌گردند: «منشأ توفان چه بود؟ چرا توانستیم آن را پیش‌بینی کنیم؟ نقاط ضعف سیستم ایمنی و امداد برای مقابله با حادثه کدام بود؟ کدام بخش‌ها در جریان حادثه بیشتر آسیب دیدند و چرا؟...»
ماجرای افشای فیش‌های نامتعارف برخی مدیران دولتی، اکنون از جنبه خبری، موضوعی مربوط به گذشته است. مخالفان دولت با تمرکز بر آن کردند بیشترین بهره سیاسی را از این رهگذر برده و موقعیت جمهوری را تضعیف کنند. حامیان دولت - ازجمله اصلاح‌طلبان- نیز در بحث‌های جدلی در همین‌باره کوشیدند افکار عمومی را به ادامه پشتیبانی از دولت تدبیر و امید قانع کنند. اکنون اما با گذشت چند هفته از اوج‌گیری ماجرا، وقت آن است به آسیب‌شناسی رخدادی بپردازیم که در زمانی کوتاه به یکی از مناقشه‌برانگیزترین حوادث - از سال ۹۲ به این‌سو - تبدیل شد. با عباس عابدی، تحلیلگر و فعال سیاسی اصلاح‌طلب در همین‌باره به گفت‌وگو نشستیم.

سرانجام برساند و بازی خاص خود را با کشورهای غربی انجام دهد، این نکته مثبت سیستم ماست که در اجرای کار و مأموریت اصلی خود در صندوق دچار مشکل می‌شدید و این گزارش بدیش ریاست آن از سوی شما است. بخشی از این بحرانی که می‌بینم، به خاطر این موازنه و قدرت دو طرف است که هیچ‌کدام نمی‌توانند دیگری را حذف کنند؛ اما نتوانسته‌اند به تفاهم و سازش هم برسند. در نتیجه از راه‌های دیگر مشغول زدن یکدیگر می‌شوند. اینجا است که می‌بینیم کوچک‌ترین مسئله‌ای بلافاصله در این موازنه قدرت و در غیاب به‌رسمیت‌شناختن یکدیگر، تبدیل به بحران می‌شود. این زاویه منفی قضیه است. دیگران هم نباید این قضایا را به دولت محدود کنند. همین که دولت تا این حد مسئله را پذیرفته و مثل احمدی‌نژاد خط قرمز نگذاشته و حتی عذرخواهی کرده و یک گزارش نیم‌دین هم داده است، باید کلاه خود را هم به بالا بیندازیم؛ اما مسئله اساسی این است که این وضعیت در این دولت به وجود نیامده است؛ به‌طوری‌که عده‌ای در سیستم اداری تا این حد برای خود ارج و منزلت قائل باشند و حتی وجود چنین ارقامی را در جهان طبیعی ندانند! در سیستم‌های چنین حقوق‌هایی برای خودشان تعیین می‌کنند با مبارزه با این فیش‌ها، مسئله از بین نمی‌رود و کم‌اکن وضعیت ثابت می‌ماند، نهایتش این است که مسئله را به‌طور موقت محدود کنند. نکته و نتیجه مثبت دیگر این ماجرا این است که مخالفان دولت هم متوجه شده‌اند این فقط زدن دولت نیست و خیلی چیزها

در حال ازبین‌رفتن و یأس می‌شود. **ک** بر چه اساسی می‌گویید آنها این احساس را کرده‌اند؟ آنها را نگرده‌اند و با شما شدد در حال جلوآمدن هستند. نه، این‌گونه نیست؛ وقتی بخش‌هایی از آن را نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید آنها حس می‌کنند این قضیه مسئله همه‌شان است و فقط مسئله این دولت نیست، حتی از اقدامات دولت هم حمایت کرده‌اند. البته بی‌تجربگی هم هست، برای مثال فرض کنید همین خاتم حسینی، ایشان تجربه کافی نداشت که چگونه با این قضیه مواجه شود. برخی افراد تازه، کم‌کم دارند مواجه‌شدن با مسائل را یاد می‌گیرند. برای مثال غربی‌ها را نگاه کنید چقدر درباره این قضایا جالب برخورد می‌کنند و می‌کشوند سوچ را از روی خود رد کنند، نه اینکه جلوی موج بایستند و نتیجه‌ای هم جز خردشدنشان نداشته باشد؛ بالاخره سیاست همین است که بتوانی موج را از روی خود عبور دهی. این از بی‌تجربگی‌های ماست که آموزش ندیده‌ایم. تجربیات گذشته هم همین را نشان می‌دهد. من فکر می‌کنم حکومت هم کم‌کم در حال یادگرفتن است که چگونه با این امواج برخورد کند و جلوی آن نایستد؛ این نشان می‌دهد اتفاق‌هایی در حال رخ‌دادن است، به نظر من می‌شود سیاه‌روشن این موضوع را هم دید.

ک اگر جریان فیش‌ها را با قضیه سه هزار میلیارد مقایسه کنیم شاهد آن هستیم که با وجود اینکه اختلاف مبلغ بسیار زیاد بود؛ اما تقریباً به همان اندازه یا حتی بیشتر موجب حساسیت افکار عمومی شد. برخی معتقدند دلایل این است که وقتی گفته می‌شود سه هزار میلیارد، خیلی مبلغ بزرگ است، اما در حالی که در این کشور افکار عمومی به این نتیجه رسیده‌اند که این حتماً ظرفیت‌هایی وجود داشته که این‌گونه شده است، اگر چه اینها به بوروکراسی منتهی نمی‌شود. مجموعه این نظام توانسته برجام را به

آن را تصور کنند و برایشان ملموس نیست؛ اما وقتی گفته ۴۰ میلیون تومان، کسی که ماهی ۸۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد این را بهتر می‌فهمد و حساسیتش بیشتر برانگیخته می‌شود.

نه، دلیل آن فقط این نیست، حالا اگر مردم عادی هم درک عینی از رقم نداشته باشند، نخبگان که دارند؛ اما آنها هم در برابر این مسئله واکنش تندتری داشتند. به نظر من کسانی که این مقایسه را انجام داده‌اند، کار اشتباهی کرده‌اند، زیرا اهمیت هر خبر به انتظاری است که از آن داریم. در سیستم احمدی‌نژاد اگر ۳۰ هزار میلیارد هم بالا کشیده می‌شد، خیلی تعجبی نداشت؛ اما کسی در ذهن خود نمی‌پذیرد که برای مثال جناب آقای صفر حسینی چنین رقمی و حتی نصف آن را بگیرد. اگر من یک کلاه کوچک - در حد صد هزار تومان - سر شما بگذارم نمی‌توانید تحمل کنید، در مقایسه با اینکه یک غریبه بیاید و حتی یک چاقو هم به شما بزند؛ زجر کار من برای شما از آن چاقوخوردن بیشتر است، زیرا انتظاری که از من دارید، متفاوت است. دیگر اینکه کسی که دزدی می‌کند از اساس تبعات اتهام دزدی را پذیرفته است؛ مثلاً خاوری پول را برداشته و فرار کرده است. کار او یک حرکت غیرقانونی بوده و باید دادگاه آن را بیگیری کند اما حقوق که دزدی نیست و روی یک قاعده بوده است آنها هم این را براساس این قاعده پذیرفته‌اند. ما حتی اعتراض نداریم که چرا غیرقانونی این پول را گرفته‌اید چون اگر غیرقانونی بود اصلاً مسئله فرق می‌کرد، اتفاقاً اینجا به دلیل قانونی‌بودن آن، مسئله ایجاد می‌کند.

ک یعنی ساختار ناعادلانه است و بی‌عدالتی را هم توجیه قانونی می‌کند.

درست است. اشکال بنیادی اینجاست و گرنه کسانی که این حقوق را گرفته‌اند اگر ۱۰برابر آن را هم درزیده بودند اهمیت خبری به اندازه فعلی پیدا نمی‌کرد. مشکل این است که اصلاً نمی‌توانید این دزدی را با حقوق‌ها مقایسه کنید. مثل این است که برادر شما یک جنسی را به شما خیلی گران‌تر از بازار بفروشد. این تا آخر عمر در ذهن شما می‌ماند تا اینکه یک نفر بیاید و مثلاً کل خانه شما را بار کند و ببرد. او دزد است ولی کسی از برادر خود انتظار چنین رفتاری ندارد. مشکل اینجااست که کسی مثل خاوری که دزدی می‌کند به خارج فرار می‌کند ولی اینها بعدها می‌خواهند بگویند که خدمت کرده‌اند. اینها باید بدانند که در هیچ‌جای دنیا سیستم دولتی این‌گونه حقوق نمی‌دهد. اگر نمی‌توانید با این حقوق کار کنید خب بیرون دولت کار کنید.

ک مسئله دیگری است که بخشی از اقتصاد در اختیار دولت نیست؛ از اینجا بحث نهادهای دیگر مطرح می‌شود. این فیش‌ها می‌تواند راهی باشد برای شکلی از نظارت که آنان‌ها هم در معرض قضاوت افکار عمومی قرار بگیرند و روی آنها هم همین حساسیت‌ها باشد؟

اعتراض من به بیانیهای که دولت داد، همین است؛ این بیانیه می‌خواهد یک مشکل دولتی و حکومتی را با دست خود حل کند. خب چاقو که هیچ‌وقت دسته خودش را نمی‌برد. وقتی می‌گویم دولت یعنی کل حکومت، به همین دلیل است که این بیانیه مستأصل می‌ماند که درباره بخش‌های دیگر چه بگوید و چه فرض کنیم این قضیه هم حل شد، مشکل ما فقط حل‌شدن نیست، بحث تداوم حل‌شدن هم هست. ضمانت اینکه دیگر تکرار نشود چیست؟ ضمانت آن این است که سازوکار درست شود و تنها راه آن شفافیت است. شفافیت برای نظام اداری و مدیریتی ما هم مثل جن و بسم‌الله است. الان می‌گویند حقوق ما ملان مقدار است اما دلیلی ندارد که ما حرف آنها را بپذیریم؛ اگر روزی فرض کنیم دولت بتوانیم به این اطلاعات دسترسی داشته باشیم، آن موقع حرفشان را می‌پذیریم، چون ما نمی‌خواهیم از شما مشوریم بلکه می‌خواهیم خودمان به اطلاعات دسترسی داشته باشیم. این بیانیه دولت هیچ کمکی به شفافیت نمی‌کند. به نظر من دریافت حقوق دولتی مصداق اطلاعات عمومی است و طبق قانون حق دسترسی به آن وجود دارد؛ دلیل آن هم این است که اگر چنانچه من برای دولت کار می‌کنم حقوق‌هایی را هم می‌گیرم پس چرا باید انتشار آن را یک امر شخصی بدانم؟ این یک امر شخصی نیست، دستگاه مالیاتی در همه‌جا مقدار حقوق‌ها را می‌داند چرا مردم نباید بدانند؟ ریشه قضیه در این است که اگر دولت تأکید خود را فقط روی شفافیت می‌گذاشت و آن را جزء حقوق عمومی محسوب می‌کرد مشکل حل می‌شد.

ک چگونه می‌شود این مطالبه را ایجاد کرد؟ دولت باید بپذیرد و اعلام کند. **ک** مثلاً آستان قدس و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) را چگونه متقاعد کنند که بپذیرند؟ اینجا جزء اموال عمومی هستند، هر جایی که از اموال عمومی استفاده می‌کند اساساً خود دولت موظف می‌شود که آنها را منتشر کند و باید از این مؤسسات بخواهد که گزارش‌های سالانه خود را منتشر کنند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

انتقاد

- گمانه‌زنی درباره رئیس جدید خبرگان رهبری؛ هاشمی محتمل‌ترین گزینه
- در پی پخش برنامه تلویزیونی اعترافات رخ داد؛ مناقشه درباره انقلاب مخملین
- سیداحمد خاتمی: مطبوعات و تشکلات دانشجویی پایگاه کودتای نرم است
- ابراز امیدواری زیباری به گشایش در جو سیاسی عراق
- پوتین استعغای ایوانوف را پذیرفت
- طالبان اتباع کره جنوبی را ر بورد
- ناگفته‌های فرشاد مؤمنی از جلسه دیدار ۵۷ اقتصاددان منتقد با محمود احمدی‌نژاد: دولت سخت اصرار می‌کرد که موفق عمل کرده است
- بازگشت بهای سبید نفتی اوپک به مرز ۷۲ دلار

ایران

- دیپلماسی تهران در دمشق؛ سران گروه‌های فلسطینی با احمدی‌نژاد دیدار کردند
- آیت‌الله احمد خاتمی: سیاست‌های آمریکا در ایران با شکست مواجه شده است
- البرادعی خبر داد: حل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران قوت گرفت
- رئیس‌جمهور ارمنستان: بی‌صبرانه منتظر سفر احمدی‌نژاد به ایروان هستم
- دبیر شورای نگهبان: سلامت انتخابات را تضمین می‌کنیم
- رحیم‌مشایی: تأسیسات گردشگری در سواحل تخریب نمی‌شود
- آزادی ۲۵۶ نیروی فتح از زندان‌های اسرائیل به شرط زمین‌گذاشتن سلاح و توقف مبارزه با رژیم صهیونیستی

کیتان

- رئیس‌جمهور در دیدار با بشار اسد: شرایط به‌نفع مردم فلسطین تغییر می‌کند
- سیدشهاب‌الدین صدر: جبهه متحد اصولگرایان رابزنی‌های خود را گسترش می‌دهد
- سیداحمد خاتمی: اسلامی که نظام سیاسی ندارد اسلام آمریکایی است
- عبادت مسئولان از آیت‌الله مشکینی
- مدیرکل بازرسی زندان‌های کشور: نمی‌از زندان‌های کشور فرسوده است
- وزیر کشور: انتخابات مجلس رایانه‌ای برگزار می‌شود
- وزیر راه و ترابری: ایران از قانون‌شکنی آمریکا به ایکنانو شکایت می‌کند
- ولایتی: اجلاس اخیر پاریس آغاز پیروزی سیاسی حزب‌الله لبنان است

آفتاب

- سیداحمد خاتمی: سیاسون، عرصه معارف دینی را به اهلش بپسارند
- دبیرکل جامعه زنان انقلاب اسلامی: جلوگیری از فعالیت دانشجویان مهرورزی نیست

- دیدار نمایندگان اصولگرای مجلس با رئیس‌جمهور

- رئیس سازمان خصوصی‌سازی: کم‌توجهی در اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ناشی از دیدگاه‌های متفاوت به قوانین است

- ولایتی: هیچ دولت اسلامی‌ای، جرئت سازش با اسرائیل را ندارد
- وزیر دادگستری: دیه زنان باید به صورت کامل پرداخت شود
- وزیران اطلاعات، کشور و امور خارجه در کمیسیون امنیت ملی مجلس

جمهوری اسلامی

- با اخراج متقابل چهار دیپلمات انگلیسی از مسکو، بحران در روابط انگلیس و روسیه شد گرفت
- ۱۱ نظامی آمریکایی و انگلیسی در عراق کشته شدند

- مذاکرات ایران و سوریه برای مقابله با شکل‌گیری فتنه‌های جدید در منطقه
- براساس آخرین گزارش‌ها، حال آیت‌الله مشکینی وخیم است
- در ارتفاعات اطراف زاهدان صورت گرفت: ۲۰ نفر از نیروهای سپاه و بسیج در مقابله با اشرار مسلح شهید و مجروح شدند
- اعتراض رئیس سازمان بازرسی کل کشور به تاخیرهای طولانی در پروازها

اطلاعات

- احمدی‌نژاد در دیدار با رئیس‌جمهور سوریه؛ دشمنان چاره‌ای جز پذیرش حق ملت‌های منطقه نخواهند داشت
- مخالفت انگلستان و اتحادیه اروپا با تشدید تحریم‌های تجاری و بانکی ایران
- تظاهرات گسترده مردم عراق در حمایت از وحدت ملی
- احتمال حمله نظامی آمریکا به خاک پاکستان
- علی‌اکبر ولایتی: حزب‌الله پس از سه ربع قرن کمر اسرائیل را شکست